

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیدموسی عثمان هستی

۱۱ فبروری ۲۰۱۲

حفظ تمامیت ارضی افغانستان حیثیت ناموس را دارد و یانه؟

وطن است صخره دشمن بادوباران
به فکرش می سازد سیل خروشان
غلط کردی حسابت نادرست است
که این ملت کوه است ضد طوفان
"شاعری ترازو"

قسمت هشتم

دورگیتی سفینه نوردیده شد درشام
روزبروز میوه علم پخته شد ازخام
همگی پشت علم روند گام به گام
ما ز نادانی شدیم به یگ دیگر دام
"شاعری ترازو"

حزب دموکراتیک خلق افغانستان که به فرمایش حزب کمونیست اتحاد شوروی و با موافقت سردار محمد داوود در افغانستان بنیانگذاری شده بود، رهبران آن نورمحمد تره کی از جمله اجنتان کی - جی - بی و از چینل های مختلف با حزب کمونیست روابط تنگاتنگ داشت. نوشته قرمز داخل قوس، غبار از روی آئینه سیاست این حزب دورمی کند آنچه که در آئینه این حزب نقش شده روشن تر دیده می شود:

«وقتی در پهلوی نوشته ها و اظهارات نویسندگان و محققین داخلی و خارجی در مورد روابط رهبران حزب دموکراتیک خلق با سفارت مسکو در کابل و اثر گذاری و دخالت شورویها در تشکیل حزب مذکور به اعتراف یکتن از اقارب یکی از مؤسسين و عضو دفتر سیاسی حزب دموکراتیک خلق مبنی بر دریافت معاش (حقوق) ماهوار از سفارت شوروی توجه کنیم به عمق این رابطه و نقش شورویها در تأسیس حزب مذکور و حمایت از آن در سالهای قبل از کودتای ثور ۱۳۵۷ پی میبریم. خسبره (برادرزن) عبدالحکیم شرعی جوزجانی از قول خواهرش

خانم جوزجانی گفت: «اگر پنج هزار افغانی معاش ماهوار سفارت شوروی به شوهرم نمی بود ما نمی توانستیم در کابل زندگی کنیم.»

نه تنها حزب دموکراتیک خلق بلکه اکثر احزاب افغانستان در طول تاریخ احزاب، سیاست خام شان به خاطر نداشتن کدرهای حزبی با تجربه، دکتاتوری و فاشیزم زبانی، منطقه ئی و نژادی دست خوش سیلاب انشعابات شده گاهی این سیلاب ها فروکش کرده و گاهی دوبار طغیان نموده، نوسانات زیاد در دنیای طبیعت احزاب افغانستان در طول تاریخ دیده شده و هم دم این احزاب یا زیر پای سلطنت بوده یا ریشه خارجی داشته "می" تعبیه نشسته آور خودخواهی و تقلید سبب شکستن وحدت احزاب گردیده مدهوشان رهبری سرانجام سراز بیمارستان عقلی و عصبی بلند کرده اند.

حزب دموکراتیک افغانستان خلق

حزب دموکراتیک خلق بانفوذترین سازمان سیاسی در درون نظام نظامی افغانستان بود به خاطر اعضای نامتجانس به یک حزب منفرغ انگیزی در جهان سیاست تبدیل شد. دو مردی که یکی در سیاست بی عقل ترین خودخواه و خوشباور در حقیقت یک مانکن سیاست حزب دموکراتیک خلق بود در کنگره اول بحیث منشی اول حزب با به دست آوردن یک رأی اضافی انتخاب شد من اگر هزار بار در وقتیکه قدرت دولتی نداشت با این شخص ندیده باشم صداها مرتبه با او دیده ام.

تره کی مرد مجلس آراء، کنایه گو با ریشخند کردن خود در مجلس دوستان نقش سیاسی خود را بازی می کرد لبخند زیبا و نمکینی داشت مرد دوم با گرفتن یک رأی کمتر به حیث معاون دوم از بخش تاجکان صیاد سیاست بود تحصیلات عالی در سیاست داشت در یکی از خانواده نظامی نزدیک به شاه بود تره کی از قوم پشتون بود و در حالی که کارمل بنا بر ضرورت از تعلق قومی خود به پشتون و یا تاجک صحبت می نمود چنانچه در وقت قدرت خود گفت من پشتون هستم در حالی که به مانند اکثر شونیست های پشتون به مانند سردار نعیم و سردار داود بازبان پشتو حرف زده نمی توانست.

بلافاصله پس از کنگره وحدت هر دو حزب به هم خورد، اختلاف میان تره کی و کارمل به شدت فاصله ایجاد کرد. حفیظ الله امین که شناخت دقیق از تره کی داشت و می دانست که جاه طلبی و شهرت طلبی بیمارگونه دارد نه تنها همان زمان بلکه بعد ها بیشتر از پهلوی خواب سیاسی آن استفاده کرد ابتداء در روزنامه های رسمی و رادیو و در مدیا او را به عرش خودخواهی رساند و هر روز با با القاب هائی نظیر رهبر داهی قهرمان همه خلق های محروم جهان به این بهانه ها او را زیر نفوذ خود خود قرار می داد و امین با این نیرنگ های چاپلوسانه به صورت مورد اعتماد ترین فرد تره کی در آمد تا این که دندان عقلی سیاست او را کشید. باید افزود تره کی به آن اندازه که در موردش گفته می شود مرد ساده نبود اما خود را در کوچه چپ لودگی گاه گاه می زد.

تره کی هم نه تنها با دولت افغانستان بلکه با سفارت شوروی رابطه قایم کرد بود زمانی با یک دست بوسی شاه را فریب داد تا حکومت شاه او را به حیث یک آفت اجتماعی نشانسد. هنگامی که او در سال ۱۹۵۲ بین روشنفکران رخنه ایجاد کرد و پاداش آن ردالت سیاسی خود را دولت کابل گرفت به حیث آتش مطبوعاتی به واشنگتن فرستاده شد. امادیر نماند. به کابل آمد گل سرسید شارلتان های تاریخ گردید

در ترکیب کنگره اول از همان آغاز تشکل به رهبری تره کی و ببرک کارمل دیده می شد اشخاص و افرادی که دور یک میز به خاطر ساختن یک حزب قرار گرفته اند از نگاه همفکر بودن سیاست یک دست نبودند شخصی که رمه

حزبی ساخته و به دست گریگ سپرده آن رمه ساز سردار محمد داوود خان بود که رمه را به گریگ روس کاجی بی سپرد

مردم افغانستان از ملیتهای مختلف به وجود آمده ، منطقه وزبان شان فرق دارد کمتر مخلوط زبانی و نژادی در یک منطقه دیده می شود هزاره در بامیان و غور از یک و ترک ها در شیرغان و فاریاب تاجک ها در هرات فراه نیمروز ، تخار و بدخشان ، پشتونها در شرق و جنوب در کابل تمام ملیت ها را شمادیده می توانید در کاپیسا و پروان و پنجشیر اکثریت تاجک ها کمتر پشتون و هزاره زندگی میکنند ترک و ازبک در این سه ولایت زندگی نمی کند همانطوری که ملیت های افغانستان از نگاه زبان و منطقه از هم دور افتاده اند اشخاص زیر با افکار مختلف زبان مختلف و نژاد مختلف و زندگی در مناطق مختلف داشتند هیچ نوع روابط فکری در بین اشخاص زیر دیده نمی شد و از نگاه سوبه علمی هم با هم در یک سطح قرار نداشتند یکی حرف دیگری رانمی دانست اگر می دانست نتیجه گرفته نمی توانست .

(از جمله ۲۷ عضو کنگره اول : نور محمد تره کی ، ببرک کارمل ، دکتر صالح محمد زبیری ، سلیمان لایق ، نور احمد نور دکتر ظاهر ، محمد ظاهر افق ، عبدالحکیم هلالی ، عبد الوهاب صافی عطامحمد شیرزی ، آدم خان جاجی ، عبدالله جاجی ، غلام محی الدین زرمالوال ، پشتون بودند . محمد ظاهر بدخشی ، دستگیر پنجشیری دکتر شاه ولی ، محمد حسن بارق شفیع که از پدر جت و از مادر پنجشیری پسر خاله هادی کریم پنجشیری میباشد ، سید نور الله کلالی ، عبد القیوم قویم ، عبد الهادی کریم و محمد اکرم کارگر به قوم تاجیک افغانستان بستگی داشته اند . سلطان علی کشتمند ، کریم میثاق و ملا عیسی کارگزار قوم هزاره و شهر الله شهپر ، وانجنیر خالیار از جمله ازبکهای افغانستان بوده اند . پدران سید عبدالحکیم شرعی عرب تبار بودند بارق شعفی و سید عبدالحکیم شرعی را حزب دموکراتیک خلق تاجک و ازبک گفته و آنها هم قومیت شان را از شرم پنهان کرده اند .

از جمله ۲۷ عضو کنگره مؤسس یک ثلث آن دارای تحصیلات خصوصی و متوسط ، ۳ عضو آن افسر بازنشسته قوای مسلح ، دو عضو آن کارگر ، ۳ عضو آن کارمندان پائین رتبه دولت و ۱۸ عضو آن از تحصیلکردگان ممتاز دانشگاه (پوهنتون) کابل بوده)

از هر نگاه اشخاص فوق از ه مفاصله داشتند و تا امروز دارند از روز تأسیس حزب دموکراتیک خلق تا امروز با هم وحدت نداشتند و اگر به زور روس هم در بین شان وحدت آمده در وقت حاکمیت شان و در وقتی که در حاکمت نبودند وحدت شکننده بوده حتی یکسال هم دوام نکرده و خصلت نژادی ، زبانی منطقه ئی ، و سوبه علمی و تحصیلات متفاوت سبب شده که "خر پیش بارنرود و بار را کسی پیش خر" نبرد

ببرک ضربه تره کی و حفیظ الله امین و دیگر پشتونها را خورده بود و هم ضربه ، ازبک ، ترک ، هزاره و تاجک ها را تحت رهبری دستگیر پنجشیری محکم تر از ضربه پشتونها خورد مگر هیچ وقت بروی خود نیارود .

کارمل در سیاست کسی بود به گفت ، "غبار" اوکاری به صادق ، خاین ، از کدام نژاد ، از کدام زبان ، از کدام قوم باچه خصلت سیاسی چپ فکرمی کرده ، راست فکرمی کرده نزدوی مهم نبوده ، فقط اطاعت از خودش نوکری روسها برایش مهم بوده است .

او می دانست که تره کی یک فاشیست برگشت ناپذیر است و ببرک می دانست که اگر تره کی رهبر حزب و دولت شود ، تجربه و توانائی مدیریت ندارد در حزب سیاهی پالیز بودن تره کی به قدر سوزن مانع پیشرفت او نمی شود با آمدن حفیظ الله امین در حزب ، تره کی دیگر آن تره کی نبود که ببرک فکر کرده بود او یک آله دست حفیظ الله امین بود و هم ببرک در شناخت کسانیکه دورش جمع شده بودند اشتباه کرده بود از آنها شناخت کامل نداشت از متجانس

بودن فکری ، زبانی ، نژادی ، منطقه ئی و سواد و بیسوادی شان می خواست استفاده سیاسی کند و هدف ببرک ساختن یک حزب بود ضد کسانیکه با او در یک بندزدان زمانی بودند و با آنها اختلاف نظر پیدا کرده بود تره کی و ببرک با رقیبان سیاسی خود یک مرتبه در خانه شایان نشسته بودند که غبار نمی دانست که در آن مجلس تره کی و ببرک آمده اند و هستند.

مجالسی بنام مجلس تدارک بخاطر ساختن یک حزب دموکراتیک به اشتراک میر غلام محمد غبار و ، صدیق فرهنگ و هادی محمودی دروغ و عاری از حقیقت بوده و این دموکراتیک در کتاب تاریخ خود از چنین جلسه ای یاد نکرده اند.

در اینجا شک نیست که میر محمد صدیق فرهنگ مانند ببرک در جمع کردن خوب و بد همفکر بود اختلاف جزئی هم داشتند و روابط نیک و حسنه هم رشتیا و فرهنگ مردان سیاسی و موقع شناس بودند.

ولی مجلسی به نام تدارک ساخته نشده و به جز از کشتمند کسی یاد نکرده . شاید افراد حزب دموکراتیک خلق به خاطر سوء استفاده از نام شخصیت های سیاسی به خاطر به دست آوردن آبروی سیاسی نام می برند، داکتر هادی محمودی زنده است با وجود تمام علاقه اش به ایجاد حزب نه تنها هادی محمودی بلکه تمام خانواده محمودی و شخص غبار هیچ وقتی با ببرک و تره کی یک روز هم در راه سیاست نمی رفتند و همه ملت افغانستان از اختلاف ببرک با غبار و خانواده محمودی آگاهی کامل دارند.

قبلاً گفتم بودن ببرک و تره کی سبب مخالفت غبار با مجلس و باعث شگست مجلس خانه شایان گردید داکتر هادی محمودی زنده است و در کانادا زندگی می کند اگر او پنهان از خانواده محمودی در کدام مجلس چای خوری اشتراک کرده باشد آن را گفته نمی توانم ولی یقین دارم مجلسی بنام تدارک ساختن یک حزب دموکراتیک که غبار و خانواده محمودی در آن اشتراک کرده باشد وجود نداشته در نتیجه چنین ادعائی یکی از دروغهای شاخ دار است اشخاصی که در کنگره حزب دموکراتیک خلق دور هم جمع شده بودند نظر به دلایل فوق به وحدت و یک پارچگی حزب ادامه داده نتوانستند

پس غبار و خانواده محمودی به هیچ صورت با اینها ادامه داده نمی توانست و اشخاصی که در کنگره اول جمع شده بودند اکثر شان ناشناخته و یا قابل اعتماد نبودند مبارزین شناخته شده چطور امکان داشت که با اشخاص گمنام در آن وقت حساس به خاطر ساختن یک حزب سیاسی دور یک میز بنشینند. در خانه نعیم شایان اشخاصی اشتراک کرده بودند به شمول تره کی و ببرک که در محفل روشنفکری افغانستان شناخته شده بودند برای مثال وقتیکه مجلس خانه شایان ساخته شد و غبار در آن اشتراک کرد کریم میثاق زیر دست سید مقیم خان عثمان مدیر احصائیه وزارت داخله در ولسوالی اشکمش تخار کاتب توزیع تذکره بود که از جمله عضو کنگره یکی حزب دموکراتیک خلق همین آقای کریم میثاق است آیا شما قبول می کنید که غبار با این طور اشخاص می نشیند، مجلس می کند، شاید خواب و خیال کشتمند بوده باشد که کدام شبی بعد از نشئه خواب دیده باشد.

دم کشتمند گرم با این دروغ های شادخار! حالا شما حرفهای کشتمند در کتاب خاطراتش را اگر مقایسه کنید آن وقت می دانید که دروغ وی سردروغهای بیشاخ و دم دستگیر پنجشیری را خاریده است. به گفته شهر الله شهپر غبار که یک بار سرم، سیاست استعمال کرده دیگر امتحان نمی کند و به آزمون کردن سرمه علاقه نمی گیرد. شهر الله شهپر این حرفها را بخاطر دروغ های شادخار حزب دموکراتیک خلق بعد از برآمدنش از حزب خلق می گفت. هم می گفت حرفهای دستگیر پنجشیری را شوخی فکر کنید در سیاست جدی نگیرد دستگیر خان تب سیاست به یک آلو می گیرد و با آلو دیگر سلامتی دماغی خود را دوباره می یابد.

دستگیر پنجشیری مرا هم در بعضی مجالس شاگرد ابراهیم خان سامل پنجشیری قلم داد کرده بود در حالی که محمد ابراهیم خان سامل پنجشیری مرد خوب و دوست داشنی و رفیق دوست بود از صنف نه مکتب سپورت فارغ شده بود خط خوب داشت بعد ها در زمان حاکمیت حزب دموکراتیک خلق رئیس اداری وزارت عدلیه بود که به جای آن بصیر جان همت از بدخشان از جمله رفقای هاشم منصوری مقرر شد و فعلاً در لندن است و در سایت آریائی نوشته می کند آقای بصیر همت از فارغان پوهنتون کابل است

حکومت داری حزب دموکراتیک خلق در طول تاریخ مانند خود نداشته "الله داد طوفان" تحویلدار مکتب دشت برچی قندز بود او را حفیظ الله امین والی اورزگان مقرر کرد حرفهای دستگیر پنجشیری به این می ماند که بگوید نبی عظیمی شاگرد طوفان تحویلدار بود شاید نبی عظیمی به الله داد طوفان احترام و دوستی داشت ولی هیچ منطق قبول نمی کند که عظیمی شاگرد طوفان شده بتواند.

شاید در حزب دموکراتیک خلق این طور بوده باشد که دستگیر پنجشیری رامیثاق یابارق شفعی کارگر صحنه تمثیل یا آدم خان جذب کرده باشد.

ولی ملت ما این را قبول می کند که پنجشیری به دستور ضبط احوالات با دیگر جاسوسان یکجا شده باشد ولی این را کسی باور نمی کند که توسط میثاق یا بارق شفعی کارگر صحنه تمثیل یا آدم خان پنجشیری جذب شده باشد این مثال هابه خاطر آن آورده شد که بیسوادها در حزب دموکراتیک خلق زیاد بود همه احزاب و ملت افغانستان از عینک حزب خود می بینند

حزب دموکراتیک خلق متشکل بود از جناح خلق و پرچم، هر دو جناح پیرو خط و مشی اتحاد شوروی بودند به خاطر اختلاف زبانی، نژادی و منطقه ئی با هم نتوانستند کنار بیایند روس در ظاهر کوشش کرد که هر دو را کنار بیاورد با وجودیکه از یک قماش بودند به خاطر تخریب یکدیگر دست در دامن روس می انداختند تا برتری قدرت نصیب شان شود و روس هم مانند انگلیس از تفرقه اندازی و وحدت هر دو جناح فریب خورده خودش سود می برد ولی در قسمت عواقب این اختلاف انداختن به خاطریکه روسها ملیتهای افغانستان را نشناخته بودند دچار اشتباه بزرگ شدند.

کجا کاری کند عاقل که باز آید پشیمانی

من این مثال هارا به خاطر ی آوردم که اعضای بیسواد حزب دموکراتیک خلق توسط فاشیستان تمام ملیت های افغانستان بنام روشنفکر دور هم جمع شده بودند در حقیقت بنیان گذار تجزیه و فدرالیزم ساختن مملکت امروز اعضای دیروز حزب دموکراتیک خلق بوده، آقای پدرام که سالها به نام فدرالیزم فریاد کشیده و نفس پخته کرده از جمله اعضای حزب دموکراتیک خلق بوده و است که با بیل فدرالیزم می خواهد قبر وحدت افغانستان را به خاطر تجزیه بکند تا روح تره کی در قبر نامعلوم شاد گردد.

ادامه دارد